

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
شماره پیاپی: هشتم - تابستان ۱۳۹۰
از صفحه ۱۵ تا ۲۴

سخنی پیرامون ادبیات تعلیمی و غنایی*

دکتر سیداحمد حسینی کازرونی^۱
استاد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

چکیده

ادبیات فارسی از غنی‌ترین ادبیات جهانی است، لبریز از عواطف و احساسات درونی و قالب‌های گوناگون رایج زمان در درازنای تاریخ پرفراز و نشیب این سرزمین. بسیاری از شاه‌کارهای ادبی، جنبه تعلیمی دارند و از این قبیل است مثنوی مولوی و بوستان سعدی و حدیقه سنایی و منظومه‌های عطار و نظایر آنها که جنبه‌های تعلیمی آنها همپای جنبه‌های ادبی پرمایه و قوی است، عرصه کاربرد ادب تعلیمی بسیار وسیع است، زیرا به هر حال، هر اثری، مطلبی را تعلیم می‌دهد. در شعر فارسی، ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بث الشکوی، گلایه و تغزل در قالب‌های غزل، رباعی، مثنوی و حتی قصیده مطرح می‌شود. اما مهم‌ترین قالب آن غزل است، شعر غنایی در دو معنی به کار می‌رود: ۱- اشعار احساسی و عاطفی ۲- اشعار عاشقانه
واژگان کلیدی: ادبیات، تعلیمی، غنایی، اخلاقی، عشقی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۲

^۱ - پست الکترونیکی: sahkazerooni@yahoo.com

مقدمه

بعضی، انواع اصلی ادبی را به حماسی و غنایی و نمایشی تقسیم کرده‌اند، برخی از این انواع مانند حماسه به کلی منسوخ شده ولی ادبیات نمایشی باقی مانده است، از قرن هجدهم به بعد انواعی همچون ادبیات سیاسی و انتقادی و پرخاشگر به وجود آمد که آثار ویکتور هوگو، ولتر و مایاکوفسکی و ژان پل سارتر از جمله این نوع ادبی‌اند. ژان پل سارتر معتقد است چون این نوع ادبیات نسبت به جامعه انسانی، رسالت و تعهد دارد، ادبیات متعهد نامیده می‌شود که در واقع در شمار ادبیات تعلیمی به حساب می‌آید. همچنین ادبیاتی که بر پایه فلسفه اصالت انسان (اگزیستانسیالیسم) توسط آلبر کامو و ژان پل سارتر و پیروان آنها صورت پذیرفته، جزو این نوع ادبیات‌اند.

اشعار غنایی نیز در بردارنده اوصافی از قبیل خداپرستی و بشردوستی، مدح و ستایش‌گری، هجا و بدگویی، عرفان و صوفیگری، شکوه و شکایت، مرثیه و مصیبت‌سرایی و انواع عاشقانه‌های فرشی و عرشی می‌باشد.

در ادب غنایی پیشرفته (ادب عرفانی) شاعر با معشوق نمادین و خیالی و اساطیری مواجه است. بسیاری از محققان، منشأ اشعار غنایی را ادبیات فولکوریک دانسته‌اند.

ادبیات تعلیمی - ادبیات تعلیمی در ایران، یکی از گسترده‌ترین و پر دامنه‌ترین نوع ادبی است و شاه کارهایی مانند مخزن الاسرار نظامی، منظومه‌های عطار نیشابوری، حدیقه سنایی، مثنوی مولوی، گلستان و بوستان سعدی، اشعار ملک‌الشعرای بهار، پروین اعتصامی و آثار ارزنده بزرگان دیگری در این نوع ادبی به وجود آمده است.

بسیاری از موضوعات مذهبی و عرفانی، اجتماعی و سیاسی و اخلاقی، علمی و فلسفی و حکمی، نمایشی و هنری، حتی برخی از مفاهیم غنایی و حماسی در پهنه این نوع ادبی قرار می‌گیرند.

«ادبیات تعلیمی (Didactic literature) اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسایل اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادبی

عرضه دارد، البته ادبی بودن اثر تعلیمی مقول بالتشکیک است، یعنی در آثاری، عناصر و مایه‌های ادبی کمتر و در آثاری بیشتر است.» (شمیسا، ۱۳۷۳، ۲۴۷).

در گستره ادبیات تعلیمی، سخن از آموزش و تعلیم، آموختنی‌ها و گفتنی‌هاست، مانند نوشته‌های کلیه و دمنه و مرزبان‌نامه، قابوس‌نامه و سیاست‌نامه، تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی، بوستان و گلستان سعدی، حکایات مثنوی معنوی و اخلاق ناصری و آثار حکیمان و عالمانی چون ابن‌سینا و ابوریحان بیرونی، زکریای رازی و دانایان بزرگ دیگر. «موضوعات ادب تعلیمی، ممکن است دین و مذهب، اخلاق و سیاست، علم و فلسفه و جز آنها باشد.» (فرشیدورد، ۱۳۶۳، ۲۱۲).

حکایت‌های حیوانات (مانند بعضی از اشعار سعدی و مولوی) در قالب‌های گوناگون شعری (قصیده، مثنوی، غزل، ترانه، رباعی، قطعه، تک بیتی، ترجیع، داستان، مذهبی، حماسه، داستان و پس از انقلاب مشروطه، مسایل سیاسی، اجتماعی و انتقادی نمایان است و به گونه‌ای دیگر در اشعار ناصر خسرو، بوستان سعدی، دیوان شمس و ملک الشعراء بهار خودنمایی می‌کند.

«در کلام تعلیمی نواغ شعر و ادب فارسی، همه جا از صداقت و امانت، درستی و راستی، عشق و وفاداری سخن گفته شده و سعادت بشر را در وحدت و نوع دوستی و یگانگی جستجو کرده‌اند.» (حسینی کازرونی، ۱۳۸۸، ۹) از سوی دیگر، «ادبیات فارسی، معرف و واکنش روح ایرانی بوده است در برابر مهم‌ترین آزمون تاریخی بعد از اسلام، و برخورد با فرهنگ غرب و ...» (زرین کوب، ۱۳۶۱، ۶۷۱).

تعیین و تشخیص انواع ادبی از جهت آمیختگی، کاری چندان سهل و آسان نیست، مثلاً شاه‌نامه «هم حماسه است و هم شامل فاجعه‌نامه‌ها و اشعار تعلیمی و غنایی ... شعرهای عرفانی را هم می‌توان از اشعار تعلیمی شمرد، زیرا تصوف و عرفان می‌آموزند و هم می‌توان آنها را از آثار غنایی به شمار آورد از جهت آن که احساسات و عواطف شخصی شاعر را نسبت به ذات حق بیان می‌کند و همچنین است اشعار مذهبی.» (فرشیدورد، ۱۳۶۳، ۲۱۲).

در برابر اشعار غنایی تعلیمی، اشعار تعلیمی محض و خالص از شور و شیدایی هم داریم که نمونه‌اش در مخزن الاسرار نظامی، حدیقه سنایی، جام جم اوحدی و گلشن راز شبستری مشاهده می‌شود.

«ادبیات تعلیمی می‌تواند تخیلی هم باشد، یعنی مسأله‌ای را که می‌خواهد تعلیم دهد به صورت داستانی یا نمایشی درآورد تا جاذبه بیشتری یابد و از این شیوه مخصوصاً در کتاب‌های کودکان استفاده می‌کنند.» (شمیسا، ۱۳۷۳، ۲۴۸).

«چیزی که در اشعار اخلاقی زبان فارسی بسیار مهم و قابل ملاحظه است شجاعت، فوق‌العاده اخلاقی است که در بیشتر شعرای این طبقه به نحو کامل و قابل تقدیری وجود داشته است، از این حیث می‌توان ادبیات فارسی را بر ادبیات کلیه ملل دیگر برتری نهاد.» (زین‌العابدین مؤتمن، ۱۳۶۴، ۱۹۶).

«عامل مهمی که موجب وسعت تأثیر می‌شود و بقا و دوام آن را تضمین می‌کند کلیت و اشتغال معنی و جوهر سخن شاعر است، یعنی آزاد شدن از اختصاصات و قیود شخصی و پرواز به سوی افق‌های روشن.» (رزمجو، ۱۳۶۹، ۶۷).

شعر تعلیمی همچون حماسه، قالب خاصی ندارد، چنان‌که اشعار حماسی (شاه‌نامه و گرشاسب‌نامه) یا شعر تعلیمی (بوستان سعدی) در بحر متقارب سروده شده، در زمینه‌های عشقی و سیاسی هم اشعاری به این وزن گفته شده است.

قالب‌های قصیده و غزل هم برای سرودن اشعار سیاسی و انتقادی (اشعار بهار و فرخی یزدی) و هم برای سرایش اشعار غنایی (شعر سعدی و حافظ) به کار رفته است. در حالی که «در شعر اروپایی، قالب از شرایط مهم تمیز انواع از یک‌دیگر است، مثلاً چهارپاره و مسقط اروپایی و غزل روستایی، علاوه بر موضوع خاصی که دارند دارای قالب‌های ویژه‌ای نیز هستند، قالب‌هایی که با قالب‌های دیگر شعر اروپایی متفاوتند.» (فرشیدورد، ۱۳۶۳، ۱۰۴).

«عرصه کاربرد ادبیات تعلیمی بسیار وسیع است زیرا به هر حال، هر اثری مطلبی را تعلیم می‌دهد، اما معمولاً این اصطلاح را وقتی به کار می‌برند که قصد و هدف نویسنده

آشکارا تعلیم فنی باشد (مثل الفیه ابن مالک)، بسیاری از آثار طنزدار را هم می‌توان گفت که جنبه تعلیمی دارند زیرا دیدگاه خواننده را نسبت به مردم و موقعیت‌ها تغییر می‌دهند، اما به آنها ادب تعلیمی اطلاق نمی‌شود.» (شمیسا، ۱۳۷۳، ۲۴۸).

در شعر فاسی، واژه‌های کاربردی در قصیده و مثنوی از غزل و رباعی بیشتر است. بدان جهت که گنجاندن لغات عامیانه و خارجی و ژورنالیستی در غزل معمولاً سخت و دشوار است، زیرا غزل، فقط واژگان و اصطلاحاتی را می‌پذیرد که غزل‌سرایان معروف همچون سعدی و حافظ آنها را به کار برده‌اند، اما در شعر معاصر، کسانی مانند شهریار و لاهوتی کرمانشاهی و فرخی یزدی توانسته‌اند تغییرات امروزی، مانند اصطلاحات روزنامه‌ای یا مطالب سیاسی و انتقادی را وارد غزلیات خود کنند. در حالی که مثنوی و قالب‌های شعری آزاد، بیش از قالب‌های قدیمی دیگر، واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید را پذیرفته‌اند.

فردوسی و حافظ، بیش از دیگر شاعران در گزینش واژه‌ها و ترکیبات آنها دقت لازم به کار برده‌اند. از سوی دیگر، انوری، مولوی و سعدی هستند که از به کار بردن اصطلاحات صوفیانه و عوامانه روزمره در شعرشان ابا نداشته‌اند، اما شاعران سبک هندی از جمله وحشی بافقی نتوانسته است به خوبی شاعران سبک عراقی از عهده این کار برآید.

در شعر معاصر نیز ملک الشعراء بهار، تسلط خود را در به کارگیری واژه‌های عامیانه و اصطلاحات سیاسی و انتقادی به خوبی نشان داده است. بسیاری از شاعران بر حسب اسلوب سخن و محیط اقلیمی و اجتماعی و اوضاع سیاسی، معمولاً روش خاصی در کاربرد کلمات و ترکیبات معمول دوره خود دارند. بعضی، واژه‌های بیشتر و برخی کمتر که این عمل بستگی تام به عقاید محیط اجتماعی و طرز زندگی و فرهنگ معاصر منطقه خود داشته‌اند.

در گفتار بعضی از شاعران مانند فردوسی، مفاهیم ملی‌گرایی، قوی و توانمند است. در اشعار سعدی، اندیشه‌های بشر دوستانه و انسان‌گرایانه و اجتماعی قدرتمند است.

بیشتر شاعران سبک خراسانی و عراقی، اصطلاحات رایج شعری زمان خود را به کار برده‌اند و فاقد لغات و کلمات تازه می‌باشند، ولی شاعرانی همچون نظامی و حافظ متمایل به کاربرد واژه‌ها و ترکیبات غریب و بیگانه بوده‌اند.

ادبیات غنایی

شعر غنایی، شعری است که گوینده آن از تمایلات و شور درونی و از احساسات و عواطف وجودی سخن بگوید، یا به تعبیری دیگر، شاعر تأثرات خود را در خصوص جوانی و پیری، زندگی و مرگ یاران و دل‌بستگان و موارد تأثیرانگیز دیگر، در شعرش جلوه‌گر سازد.

«این نوع ادبیات از قدیم‌ترین ایام تاکنون در میان ملت‌ها رایج بوده، اما اهمیت آن در دنیای امروز رو به کاستی گذاشته است.»، (فرشیدورد، ۱۳۶۳، ۲۱۰).

در یونان قدیم، شعر غنایی را چون با نواختن ساز لیر (Lyre) همراه بوده، آن را لیریک (Lyric) می‌نامیده‌اند.

در تاریخ ادبیات ایران اثر جلال‌الدین همایی درباره شعر غنایی، چنین آمده است: «شعری است که حاکی از عواطف و احساسات روحی باشد، فخر و حماسه، حکمت و تعلیم، مدح و هجاء، رثا، تشبیب، وصف، مناظره و نظایر آنها همه در این قسم، داخل هستند.»، (همان، بی‌تا، ۹۶ - به نقل از لغت‌نامه دهخدا).

«در شعر فارسی، ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بَث الشکوی، گلایه و تغزل در قالب‌های غزل، رباعی، مثنوی و حتی قصیده مطرح می‌شود. اما مهم‌ترین قالب آن غزل است، در غزل قهرمان اصلی، معشوق است و قهرمان دیگر که معمولاً خود شاعر باشد، عاشق.»، (شمیسا، ۱۳۷۳، ۱۱۹).

موضوعات اشعار غنایی در اروپا مشتمل بر الهیات، انسان و طبیعت، عشق و سرنوشت، زندگی و مرگ، وطن دوستی و میهن‌گرایی، جشن‌ها و اعیاد و ... بوده اما در ادبیات فارسی و عربی در گستره بیشتری تجلی یافته و در بر دارنده «مدح، هجو،

عرفان، فخرنامه، سوگندنامه، شکایت، نگرانی، خمریه، حبسیه، اخوانیات، اشعار سرگرم کننده و تفننی (لغز، معما، شرح بی معنی، ماده تاریخ و چیستان)، مناظره، مفاخره، وصف طبیعت، وصف شهرها، وصف اطلال و دمن، وصف اسب و شتر و ...»، (فرشیدورد، ۱۳۶۳، ۶۶).

مهم ترین نوع از انواع نقد ادبی، ارزیابی یک اثر ادبی از لحاظ ظاهری و باطنی است، یا به تعبیری دیگر از جهت صورت و معنی. از جهت ظاهری، طرح موضوع و مطلب است و از لحاظ چگونگی نقد، بیان معانی است.

«شعر غنایی در دو معنی به کار می رود: ۱- اشعار احساسی و عاطفی، ۲- اشعار عاشقانه»، (شمیسا، ۱۳۷۳، ۱۲۰). «در ادبیات غنایی، شاعر امیال و آرزوهای خود را مطرح می کند.»، (لغت نامه دهخدا).

در ادبیات اروپا از زمان ارسطو تاکنون، انواع ادبی را در خصوص موضوع و معنی به حماسی، تعلیمی، غنایی، چوپانی و نمایشی تقسیم کرده اند، اما تقسیم بندی شعر در فارسی و عربی با دسته بندی اروپایی تفاوت دارد. «در ادبیات قدیم انگلیس، اشعار غنایی با ستایش حضرت مریم رواج یافته است.»، (شمیسا، همان، ۱۲۳)، «دوران اوج و رواج ادب غنایی، مربوط به ایام گسترش تمدن و شهرنشینی است و از این رو غنا نسبت به حماسه متأخر است.»، (صفا، ۱۳۵۲، ۱۴).

ویکتور هوگو، نویسنده و شاعر فرانسوی، شعر حماسی را بر شعر غنایی مقدم دانسته و گفته است که شعر حماسی متعلق است به دوران کودکی و غنایی به دوره جوانی و اشعار فلسفی و عرفانی و نمایشی مربوط است به دوران پیری جامعه.

ارنسبت بووه (Er. Bovet) تاریخ تحول فکر انسان را به سه مرحله جوانی و میان سالی و پیری تقسیم کرده است.

«ادب غنایی، مربوط به دوره ای است که بعد از شکل گرفتن اجتماعات و «پیدایش شهرها و به وجود آمدن قوانین و نظام و رسیدن انسان به خودشناسی صورت پذیرفته است.»، (شمیسا، همان، ۱۲۱).

نمونه انواع ادبی در فارسی و عربی بدین گونه است: «مدح، هجو، عشق، رثا و عرفان (که با ادبیات غنایی غرب منطبق‌اند)، پند، حکمت و ادبیات مذهبی، (ادبیات تعلیمی)، حماسه و غیره. ما ادبیات نمایشی به مفهومی که در غرب معمول است، نداشته‌ایم، ولی شعر و نثر اجتماعی بخصوص در دوره معاصر بسیار داریم.» (فرشیدورد، همان، ۲۱۰). هر چند که جلوه ادب غنایی فارسی در سبک عراقی نمایان است و این نمایه در اشعار عاشقانه بیشتر جلوه‌گر است.

از سوی دیگر زیربنای ادبیات عرفانی، همان ادب غنایی است. عارفان نخستین، فی‌الواقع ادب عاشقانه را تفسیر و تأویل عرفانی کرده‌اند و این معنی از تفسیرهای شیخ ابوسعید در اسرار التوحید کاملاً آشکار است.

شعر غنایی، زبان حال اول شخص مفرد (من) و نمایشی، حسب و حال دوم شخص مفرد (تو) و حماسی، سوم شخص مفرد (او) است. به عبارتی دیگر، شعر حماسی متعلق است به زمان گذشته و غنایی، وابسته به زمان حال و نمایشی مربوط است به زمان آینده.

در ادبیات کنونی، شعر حماسی جایش را به شعر اجتماعی و سیاسی و انتقادی داده و ادبیات متعهد و پوچ‌گرایی، جانشین اشعار غنایی گردیده است. در نقد صوری و مشکاکله ظاهری شعر از آرایش‌های ادبی، واژگان و قالب‌های شعری، وزن و قافیه، موسیقی و تصویر سخن گفته می‌شود.

شعر غنایی در اروپا کوتاه و دارای قالب ویژه‌ای است که با قالب‌های فارسی تفاوت دارد.

شعر غنایی در اروپا دارای فرعیاتی است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- مرثیه (Elegy) یا سوگ‌نامه

۲- عروسی‌نامه (Epithalamium)

۳- ترانه (Chamon)

۴- چکامه (Ballad)

۵- چهارپاره پیوسته (Sonnet)

شاعران مکتب رمانتیسم اروپایی مانند لامارتین، ویکتور هوگو، موسه، وینی و ... تحول عمده‌ای در ادبیات غنایی اروپا به وجود آوردند.

تفاوت‌های عمده‌ای که در شعر غنایی فارسی و اروپایی وجود دارد به شرح زیر خلاصه می‌گردد:

- ۱- غنائیات فارسی، قالب خاصی نداشته و در قالب‌های گوناگون شعری از قبیل: قصیده، مثنوی، غزل، دوبیتی، رباعی، ترانه، قطعه و ترجیع‌بند سروده شده است.
- ۲- سروده‌های غنایی در زبان فارسی به دلیل اسلام‌گرایی، کمتر با موسیقی همراه بوده است.
- ۳- شعر غنایی در ادب فارسی، از عمده‌ترین نوع شعری به شمار می‌رود و کاربرد اشعار عرفانی و ستایشی در این نوع شعر بسیار گسترده‌تر از غنائیات اروپایی است.

نتیجه

ادبیات تعلیمی و غنایی در ایران از وسیع‌ترین انواع ادب فارسی است، و شاه‌کارهایی همچون مخزن‌الاسرار و اجزای دیگر خمسه نظامی، حدیقه سنایی، مثنوی و غزلیات مولانا، بوستان و گلستان سعدی، غزلیات حافظ، اشعار ملک الشعراء بهار و عاشقانه‌های فرشی و عرشی بزرگان ادب فارسی، تاریخ بیهقی و جهانگشای جوینی، مرزبان‌نامه و سیاست‌نامه و قابوس‌نامه، کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و سایر آثار ارزنده دیگر در زبان شیرین فارسی به وجود آمده است.

بسیاری از موضوعات دینی و عرفانی، اجتماعی و سیاسی، اخلاقی و اخوانی و انتقادی، علمی و فلسفی، تاریخی و حکمی، نمایی و هنری، آثار ارزنده عاشقانه‌ها و برخی از مضامین حماسی در پهنه این دو بخش ادبی قرار می‌گیرند. از سوی دیگر در شعر غنایی که حاکی از عواطف و احساسات روحی باشد، فخر، حماسه، حکمت و تعلیم، مدح، هجاء، رثاء، تشبیه، وصف، مناظره و نظایر این‌ها جای گرفته است.

کتاب‌نامه (فهرست منابع و مآخذ)

- ۱- حسینی کازرونی، دکتر سیداحمد، ۱۳۸۸، پژوهشی در ادبیات غیرجد، چ اول، تهران، ارمغان.
- ۲- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۹، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران (مؤسسه لغت‌نامه دهخدا)
- ۳- رزم‌جو، دکتر حسین، ۱۳۶۹، شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، مشهد، آستان قدس.
- ۴- زرین‌کوب، دکتر عبدالحسین، ۱۳۶۱، نقد ادبی، چ سوم، تهران، امیرکبیر.
- ۵- زرین‌کوب، دکتر عبدالحسین، ۱۳۶۳، شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، چ چهارم، تهران، جاویدان.
- ۶- زرین‌کوب، دکتر عبدالحسین، ۱۳۶۳، سیری در شعر فارسی، تهران، نوین.
- ۷- شمیسا، دکتر سیروس، ۱۳۷۳، انواع ادبی، چ دوم، تهران، فردوس.
- ۸- صفا، دکتر ذبیح‌الله...، ۱۳۵۲، حماسه سرایی در ایران، تهران، امیرکبیر.
- ۹- فرشیدورد، دکتر خسرو، ۱۳۶۳، درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران، امیرکبیر.
- ۱۰- معین، دکتر محمد، بی‌تا، چهارمقاله نظامی عروضی (تصحیح)، چ سوم، تهران، زوار.
- ۱۱- همایی، جلال‌الدین، بی‌تا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، تهران، بی‌تا.